نمایی نزدیک از مشکلات مردم برای تهیه دارو

داروندار داروخانه‌ها

مریم طالشی
گزارش‌نویس

تا برونـد و از آب سـردکن جلـوی در یک مشـت آب بیاورند و بپاشـند توی صورت زن، خودش تقریباً به حـال آمده و دارد با گوشه چادر صورتش را باد می‌زند.

«بهتر شدی خانوم؟» زن سرش را تکان می‌دهـد و دختر جوان، همـان که برایش آب آورده، دست‌های خیس را با کنار مانتو پاک می‌کند و داخل داروخانه می‌شود تا به خیل آدم‌های منتظر بپیوندد که کیپ هم ایسـتاده یا روی چند ردیـف صندلی‌های محدود سالن نشسته‌اند.

زن همـان طـور وارفتـه و بی‌حال روی پله‌ها می‌مانـد. چهره‌اش هنوز برافروخته اسـت: «از سـاعت ۸ اینجا هسـتم، جان ندارم دیگر. چند سـال اسـت ایـن داروی فشـار خون را اسـتفاده می‌کنم. الان هرجا مـی‌روم، می‌گویند نداریم. دیووان ۸۰ یک مدت اسـت کـم شـده. البته هـر از گاهی کمیاب می‌شـد اما دوباره پخش می‌شـد. الان هیچ جا نیسـت. ایرانی‌اش هست اما دکتر باید جابجـا کند. حـالا اینجا آمده‌ام ببینـم دارند یا نه. گفتند دکتـر دوباره باید دسـتور بدهد برای مشـابهش. بیرون یک جایـی آدرس داده‌اند امـا ۲۸ تا قرصش، ۱۷۰ هزار تومان است. در توانم نیست این مبلغ.»

زن چـادرش را جمـع می‌کنـد و بدون اینکـه خاکش را بتکاند دسـتش را به میله کنار پله‌ها می‌گیرد و می‌رود سمت خیابان. آدم‌هایی که از داروخانه سیزده آبان بیرون می‌آیند، دو دسـته‌اند؛ یک دسـته آنهایی که بالاخره توانسـته‌اند بعد از چند ساعت معطلی داروی مورد نظرشـان را بگیرند و دسـته دیگر آنهایی که از این در هم ناامید بیرون می‌روند. به دسـت گـروه ناامیدان، معمولاً یک برگه می‌دهند که روی آن اسم چنـد داروخانه و شـماره تلفن‌شـان دیده می‌شود. باید یکی یکی به داروخانه‌ها زنگ بزنند و سؤال کنند که داروی مورد نظرشان آنجا پیدا می‌شود یا نه.

دو پسـر جوان جزو دسـته دوم هستند، برگـه بـه دسـت روی پله‌هـا نشسـته‌اند و شـماره‌ها را یکی یکی می‌گیرند و کنار اسم داروخانه‌هـا تیـک می‌زننـد. هـر از گاهی مجبورنـد از روی پله بلند شـوند تـا مرد یا زن مسـنی دسـتش را به میله بگیـرد و به زور از پله‌هـا بالا بـرود. گاهی هم کمکی به مراجعه کننده سالمند می‌کنند. دنبال چه دارویی هستید؟ یکی از پسرها سرش را بالا مـی‌آورد: «قطره سـینالون، هیـچ کجا هم ندارند.»

دانشجوی شهرستانی هستند. یکی‌شان صبح از خواب بیدار می‌شود و می‌بیند یکی از چشـم‌هایش ورم کرده: «دکتر گفت یک جوش داخل چشـمت هسـت، نمی‌دانم چیست. این قطره را داده و گفته ایرانی‌اش را به هیچ عنوان نگیـر. همه‌جا زنگ زدیم اما ندارند.»

پسـرها ناامیـد راهشـان را می‌گیرنـد و می‌روند، آخرین شـماره آب پاکـی را روی دست‌شان می‌ریزد. زنی میانسال که دارد با کسـی پای تلفن آذری صحبت می‌کند هم جزو دسته کاغذ به دست‌هاست. مگلومین ۷۶ می‌خواهد برای اسکن: «همه جا گفتند سـیزده آبـان دارد اما اینجا هـم می‌گویند نداریم انگار چند وقت اسـت توزیع نشده. حـالا چند جـای دیگـر گفته‌اند سـر بزنم. زنگ می‌زنم جواب درست نمی‌دهند. باید بروم، آخرین امیدم هلال احمر است.»

آدم‌هایی که داخل سـالن نشسـته‌اند، خسـته و منتظرنـد. در چهره‌ها نشـانی از شـادمانی، حتـی انـدک شـادمانی دیده نمی‌شود. مردی بلند می‌گوید: «نگاه کنید، گرانـی که می‌شـود مـردم بیشـتر مریض می‌شـوند انـگار.» و بعد می گویـد: «خدا هیچ کـس را این موقع مریض نکند، با این وضعیـت مریض هـم بشـوی کارت تمام است دیگر.»

مریض، خودش نیست، برادرش است که از کرمـان آمده. دیروز تومـور بدخیم از سـرش درآورده‌انـد و الان توی آی سـی یو اسـت. دارویی کـه می‌خواهد، برای فشـار مغز اسـت. اسـمش را نمی‌دانـد اما همه داروخانه‌ها را زیر پا گذاشـته و نداشته‌اند و اینجـا گفته‌اند دارند: «می‌گویند شـرکتش اصلاً دیگـر توزیع نمی‌کند. یـک داروخانه گفت اصـلاً گیر نمی‌آید. داروهای شـیمی درمانی‌اش را هم که می‌خواستیم بگیریم، خیلی مشکل داشتیم.»

مرد دیگری دفترچـه تأمین اجتماعی را نشان می‌دهد و می‌گوید: «این مال زنم است، سـرطان خون دارد. دکتر برایش ۶۰ تا قرص نوشـته اما اینجا فقط ۳۰ تایش را تأییـد کردند. خب من باید چـه کار کنم؟ از زنجـان هـم می‌آیم. دوباره بـرای بقیه قرص‌هـا باید بدهم دکتر بنویسـد و بیایم تأییـد کنم وگرنـه که بایـد از جیبـم آزاد بگیرم. چرا سـرطان را جـزو بیماری‌های خـاص حسـاب نمی‌کنند؟! ایـن بیمه‌ها چقـدر مگـر بـه مـا کمـک می‌کنـد. الان هرچه قـرص تقویتی بـود، نگرفتم. گفتم حـالا اینهایی را که واجب اسـت می‌گیرم. باید دارو را بگیرم و سـوار اتوبوس شـوم و برگردم زنجـان.» مرد با نصف قرص‌های تجویـز شـده از در بیرون مـی‌رود. نایلون کوچـک داروهـا و دفترچه را تـوی نایلون بزرگتری می‌گذارد که یک روسری طرحدار داخلـش مچالـه شـده، لابد بـرای زنش خریده است.

بیمـاران شهرسـتانی تعدادشـان کـم نیسـت. یکـی دیگرشـان زنی اسـت که از کرمانشـاه آمـده و مشـکل تنفسـی دارد و به گفتـه خودش برای پاکسـازی ریه آمده. دیشـب از کرمانشاه رسـیده و شب را خانه خواهرش در شهرک اندیشه شهریار مانده و حالا بـا خواهـرش آمـده دارو را بگیرد و برگردد شـهرش: «الان مـن اینجا خواهرم هسـت که می‌آیم. به خـدا بعضی‌ها را در شهرستان می‌شناسم که برای درمان، خانه را فروخته‌انـد و آمده‌اند تهـران یک جای کوچک اجاره کرده‌انـد. من می‌آیم کارم را انجام می‌دهم و یک اسـتراحتی می‌کنم و می‌روم.»

کسـانی که می‌آیند داروخانـه، باید اول نسخه شان را تأیید کنند. بخش تأیید نسخه ۷ صبح باز می‌شـود. باید نوبـت بگیری و منتظر باشـی. «مـن اینجا هسـتم هر روز. برایت نوبت می‌گیرم. داروی اضافه هم در خانه داشتی می‌خرم.» مرد این را می‌گوید و منتظـر جـواب می‌مانـد. می‌گویـم مگر داروی تـوی خانه را هـم می‌خرند؟ جواب می‌دهـد: «داروخانه که نمی‌خـرد اما من می‌خرم. بالاخره شما ممکن است دارویی در خانه داشـته باشـی که دیگـر به دردت نخورد، یک بنده خدایی هم به آن دارو نیاز داشته باشد و وسعش نرسد. اگر تاریخ دارو نگذشته باشد، مانعی ندارد.»

مرد دیگـر کـه کنارش روی سـکوی کنار خیابان نشسـته می‌خنـدد و می‌گوید: «ای داروصفت.»

واسـطه دارو ابروهـا را درهم می‌کشـد: «تیکـه می‌انـدازی حاجـی؟ دارو صفـت یعنـی چه؟! بیـا خانم هر وقت خواسـتی خـودم برایـم نوبت می‌گیـرم، چیزی هم نمی‌خواهـد بدهی، فقط اگر دارو داشـتی بیـاور، کس دیگـری هم بود دارو داشـت، خبـر بـده به مـن. شـماره‌ام را بـزن توی گوشی‌ات.»

چنـد قـدم آن طرف‌تـر یکـی دیگر از واسـطه‌ها ایسـتاده: «دارو... دارو... خانـم دارو نمی‌خواهـی؟» همان موقع زنی سـر می‌رسد که معلوم اسـت از قبل با واسطه که پسـر جوانی اسـت، گفت و گویی داشته اسـت. زن می‌گوید: «داری دیگر؟» دنبال داروی پروکید بلژیکی اسـت، برای شیمی درمانی. توی سیزده آبان پیدا نکرده و پسر جوان قول می‌دهد به دسـتش برساند. زن دیگری سر می‌رسد و می‌پرسد:

- آقا داروی آی وی اف می‌خری؟

- چه دارویی؟

- آمپـول پروژسـترون اسـت بـرای جلوگیری از سـقط جنین، یک تعداد دارم خانه.

پسـر شـماره‌ای را می‌گیـرد و از کسـی سـؤال می‌کند و رو به زن می‌گوید: «قیمتی نـدارد. همینطـوری‌اش ۲۰ هـزار تومـان است. اگر بعداً به دردت می‌خورد، نگه دار. اوضـاع دارو خوب نیسـت.» زن می‌گوید: «به دردم نمی‌خورد دیگر. برایت می‌آورم همین طور مجانی. بده به کسـی کارش را راه بیندازد.»

مـردم نگرانـد. از چند نفـر از آنهایی که تـوی داروخانه بودند، شـنیدم که مگر نمی‌گوینـد دارو تحریم نیسـت، پس چرا دارو گیر نمی‌آید؟ حداقل بگویند مشـکل از کجاسـت. واردکننـده تخلـف می‌کند یا داروخانـه دار؟ ارز دولتـی می‌دهنـد برای دارو، بـا آن چـه چیـزی وارد می‌کننـد؟ مـا جـواب این‌هـا را درسـت نمی‌دانیم. دولـت بگوید چرا دارو کمیاب اسـت. باید بترسیم از روزی که دارو پیدا نکنیم یا اینکه مشکلات حل می‌شود؟

این‌هـا را کسـانی می‌گوینـد که شـاید اندک رمقی برایشـان مانده اسـت. بیشتر آدم‌هـا امـا مثل همـان زن از حـال رفته، دیگـر حوصله اعتراض هـم ندارند حتی، مثل زنی که قوطی قرص کلسیم را دستش گرفته بود و می‌گفت این دارو مگر چیست کـه می‌گویند نیسـت و مشـابهش را باید بگیری، تازه اینجا امید آخرمان است.

> دیشب از کرمانشاه رسیده و شب را خانه خواهرش در شهرک اندیشه شهریار مانده و حالا با خواهرش آمده دارو را بگیرد و برگردد شهرش. می‌گوید: الان من اینجا خواهرم هست که می‌آیم. به خدا بعضی‌ها را در شهرستان می‌شناسم که برای درمان، خانه را فروخته‌اند و آمده‌اند تهران یک جای کوچک اجاره کرده‌اند. من می‌آیم کارم را انجام می‌دهم و یک استراحتی می‌کنم و می‌روم

عکس: ایرنا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۳۱۰۶

آسان

	۲	۵	۳	۴		۱		
۴			۵				۷	
۹		۶	۱					
				۵				۱
	۷						۶	
۲				۶				
					۱	۵		۹
	۴				۷			۶
		۲		۹	۵	۳	۸	

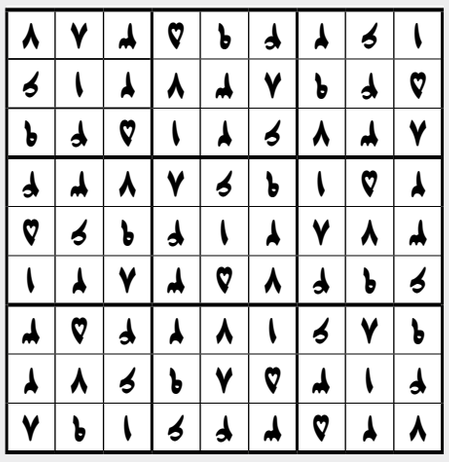

متوسط

۲			۸			۵		۴
			۶					
۸		۵		۳		۷		
			۷		۹		۲	۵
		۱				۳		
۶	۵		۳		۲			
		۹		۸		۲		۱
					۱			
۵		۸			۳			۷

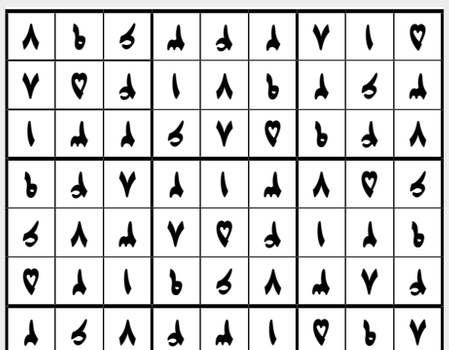

سخت

۹	۷							
۶		۸	۲	۳				
	۳				۸			
	۲			۷	۳			۹
	۶						۴	
۳			۱	۹			۵	
				۸			۳	
				۴	۷	۸		۱
							۶	۴

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۷۰۶۰

جدول عـادی

افقی:

۱- در حـال حـل کردن آن هسـتیم- بازیگر خانـم فیلم «ژن خوک» (روی پرده سینماها) به‌کارگردانی سعید سهیلی
۲- پولدوست!- از جنس پارچه مشبک- درختی همیشه سبز در استوا
۳- سور و مراسم ازدواج- بهم سودن- الهه عقل
۴- آموزش- فتنه‌جو- مجموعه حروف عددی- نگاه کن!
۵- دمای بالای بدن- دهمین خلیفه عباسی- رعشه و ارتعاش
۶- جمع غنی- طرف- لنگه
۷- مرطوب- گزارش- مرتبه اول
۸- هر جا که آب هست زندگی هم هست
۹- سرشوی گیاهی- سرکش- بیم، رعب
۱۰- تصدیق ژرمن‌ها- گاه با تخته جور می‌شود!- زیبا رو
۱۱- رخت و پارچه- اعمال حسنه- دنباله رو سوزن
۱۲- مواظب باش!- گل همیشه بهار- مخزن اسرار- جیحون
۱۳- سنگ انداز- شیرینی پز- پیوسته و پشت سر هم
۱۴- دوره‌ها- به پارچه و لباس می‌زنند تا اتوگیر شود- متانت
۱۵- ییلاق قدیمی و پر رفت و آمد «بم»- پایتخت «آذربایجان»

عمودی:

۱- دانـش مطالعـه جوامع انسـانی- برادر به زبان لری ومازنی
۲- شـهر «پرتقـال»- در استان فارس- اصل و آغاز- وردست شاطر نانوایی
۳- بسـیار مهربان- سـقف ویران- کتاب لغت
۴- زبان کشیدن به بستنی- باختر- نفس‌کشیدن- کشتی تفریحی
۵- عبادت، پرستش- گذران زندگی- نشانه وجود مفعول
۶- یار آشـغال!- رخسـار- دختر- دشوار
۷- کویـر کشـورمان- مؤثر و مفید- نام آور
۸- طبیعـی - نانجیـب - همشیره
۹- بازگشـتن- بیمـاری همه‌گیر- خبر دست اول که جلب توجه کند!
۱۰- شناسـنامه- پایتخت فراری- گندم آسیاب شده- سخن صریح
۱۱- دریافتن- راسـتی خبر- ستاره دنباله دار
۱۲- امر به آمدن- مخفف از او- نمایشـی شامل مکالمه و آوازهای سـبک دل‌انگیز- صدمه
۱۳- به تنهایی- پول مشترک اروپا- باقی گذاشتن
۱۴- صدا- خودمحور- مرطوب
۱۵- سمت چپ- تعمیرکار اتومبیل مسافران

جدول ویـژه

افقی:

۱- رگ‌ها و اعصاب دندان- اثر «تامس الیوت»
۲- پوسته گندم- آزردگی و دلگیری- خدای هندی
۳- حدنصاب- کاغذ فروش- رئیس یک حزب سیاسی
۴- مشت تودهنی- حرف تنفر- قرن حافظ!- آنتن گرد
۵- جنس مذکر- کاتب- حیوانی اهلی
۶- طبیعی، ذاتی- باران کم- تذکره
۷- لاابالی‌گری- مهربان و ملایم- کشتی جنگی
۸- مجموعه شعر طنزی اثر «نسیم عرب امیری»
۹- سخن بی‌عمل- اندیشه‌های بد- شخصیتی در شاهنامه
۱۰- دریا- پاسخ به جدول- خانه‌ها
۱۱- بی‌چیز- ساز زهی کوبه‌ای- جامد
۱۲- فراگیر- سازمان خواربار و کشاورزی جهانی- تصدیق عامی- چیز
۱۳- سریالی به‌کارگردانی «جواد افشار» با حضور گلچهره سجادیه- بافنده- خوراکی از تخم مرغ
۱۴- یکدنده- خمیده- نوعی از خودرو پورشه
۱۵- سرمربی قبلی تیم ملی فوتبال چین- منطقه‌ای مسکونی در نروژ

عمودی:

۱- کتـاب «کولوسـون وایتهـد» (۲۰۱۹)- دانشمند
۲- حق ناشـناس- افسـار- ضمیر اشاره به‌جای دور
۳- مـوزه پاریس- نیام شمشـیر- دورنگار
۴- پـور- قابل دیدن- مرز- بوسـه آبدار
۵- از بسـتگان مادری- زمین بایر- تیزی آفتاب
۶- انـدک- چابک و زرنـگ- فرد، ذات- قسمتی از پا
۷- پراکنـده- پناه بر خـدا- جناح لشکر
۸- امور- مکر- ماشین شخصی
۹- کوشـش- پایـگاه اینترنتـی مایکروسافت- خودروی صحرایی
۱۰- آدمکشی- رخسار- گیاه بی تنه - ویتامین موز
۱۱- رودی در «ایتالیـا»- فرشـته مغضوب- پول چین
۱۲- طایفه- رنگ مو- حالت گازی آب- واحد معیار
۱۳- خواهـرزاده «میرعمـاد» خوشـنویس- اولیـن- از جهـات اربعه
۱۴- پرخاش- روشـن و درخشان- کهن
۱۵- هجـوم- شـیرینی خوشـمزه اسپانیایی

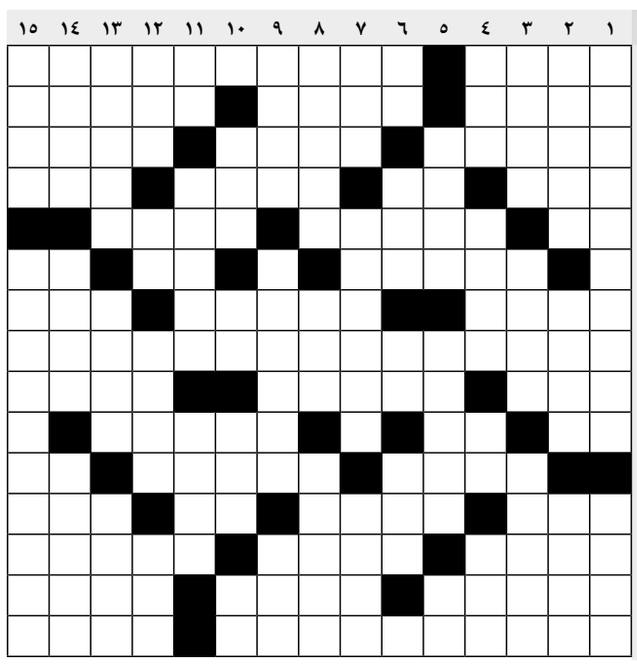

حل جدول عادی شماره ۷۰۵۹

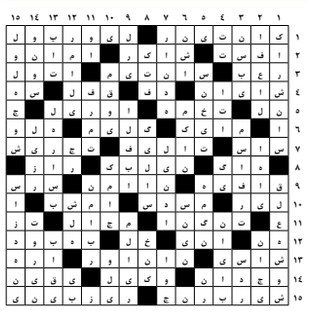
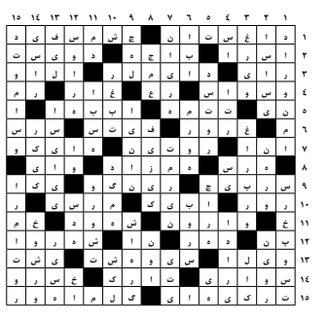
حل جدول ویژه شماره ۷۰۵۹